****

[ادامه بررسی حکم ترک احرام حج تمتع از روی نسیان یا جهل 1](#_Toc488667627)

[بررسی صحیحه علی بن جعفر 1](#_Toc488667628)

[روایت دوم: مرسله جمیل 3](#_Toc488667629)

[نقد روایت دوم 4](#_Toc488667630)

**موضوع**: احکام احرام /احرام /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی حکم ترک احرام حج تمتع از روی نسیان یا جهل

### بررسی صحیحه علی بن جعفر

عرض شد صحیحه علی بن جعفر دارای دو فقره است، یک فقره درباره تذکر ترک احرام حج در عرفات است که حکم به صحت حج شده و فقره دوم درباره عالم شدن به وجوب احرام بعد از اتمام مناسک و رجوع به بلد است که فرمود حج او صحیح است.

اما اگر بعد از عرفات و قبل از اتمام حج، متذکر یا عالم به وجوب احرام شود، در این جا چند احتمال وجود دارد، یک احتمال بطلان حج است، احتمال دوم، صحت حج است و لازم باشد که همان جا محرم شود، و احتمال سوم، صحت حج بدون نیاز به احرام است، خصوصا بعد از تقصیر.

دلیل احتمال اول، این است که مقتضای قاعده اولیه، بطلان مرکب به ترک احد الاجزاء است، و دلیلی بر تصحیح نداریم، لذا در نماز هم اگر بعد از نماز بفهمد لباسش نجس بوده، نمازش صحیح است، اما اگر قبل از سلام دادن خونی ببیند که احتمال نرود بعد از شروع نماز بر لباسش ریخته باشد، روایت می گوید نمازش باطل است، لذا شاید در این جا هم این فرق وجود داشته باشد.

محقق خوئی در بحث نماز گفته اصلا روایت هم لازم نیست، و همین مقتضای قاعده اولیه هم می­باشد، مثلا اگر کسی سلام نماز را بدهد و بعد بفهمد ساتر شرعی در نماز نداشته، نمازش صحیح است به مقتضای حدیث لاتعاد، اما اگر در اثناء نماز متوجه عدم وجود ساتر شود یا زن بفهمد مقداری از موی او بیرون است، نمازش باطل است، حتی اگر همین الان ستر را انجام دهد، چون در همین مقداری که التفات حاصل می شود، شرط ستر مختل شده است و اخلال به این شرط از روی نسیان یا جهل به موضوع نبوده، بلکه در یک آن از روی التفات بوده و حدیث لاتعاد شامل آن نمی شود.

البته آیت الله سیستانی فرموده این شخص، ملتفتِ مضطر است، و لکن جواب این است که تکلیف به صرف الوجود است و این شخص مضطر به اتمام همین نماز که نیست، بلکه می تواند نماز دیگر صحیحی بخواند.

لذا ممکن است کسی بگوید شاید در حج هم قضیه از همین قرار باشد و الغاء خصوصیت به معنای قطع به عدم فرق هم دیگر حاصل نمی شود.

ولی انصاف این است که تنها ملاک الغاء خصوصیت، قطع به عدم خصوصیت نیست، بلکه گاهی الغاء خصوصیت ناشی از ظهور عرفی خطاب است، مثلا در بحث دم اقل من الدرهم که معفو است، ظهور عرفیش این است که ثوب ملاقی دم اقل از درهم نیز همین حکم را دارد، گرچه قطع به عدم فرق نداریم، مناسبات حکم و موضوع در این استظهارات موثر است، از صحیحه علی بن جعفر نیز بعید نیست که استظهار شود ترک احرام در محل خود جهلا یا نسیانا، مبطل حج نیست، ولو در مشعر ملتفت یا عالم شود.

اما احتمال دوم که می گوید باید در مکان تذکر یا عالم گشتن محرم شود دلیلی ندارد، زیرا احرامی که امر داشت، احرامی قبل از وقوف به عرفات بود که محلش گذشت، اما این که هر وقت متذکر شدیم، لازم باشد محرم شویم بلادلیل است، مثل این می ماند که قرائت در نماز فراموش شود و به رکوع رود، حدیث لاتعاد می­گوید نماز صحیح است، اما از این حدیث استفاده نمی شود که قضاء قرائت لازم باشد، خود محقق خوئی هم فرموده محل قرائت ماموربها، قبل از رکوع بود، اما قرائت متاخر که امر ندارد.

ان قلت: لازمه این سخن این است که محرمات احرام بر او حرام نباشد.

قلت: التزام به آن مشکلی ندارد، حج او صحیح است و لازم هم نیست محرم شود، و نهایتا اگر دلیل بر محرم شرعی بودن این شخص داشته باشیم، می گوییم بدون این که احرام ببندد، باید از محرمات احرام اجتناب کند که البته این هم دلیلی ندارد.

لذا بعید نیست که احتمال سوم را بپذیریم که نیاز به تجدید احرام نیست، گرچه احتیاط این است که وقتی ملتفت شد، انشاء احرام بکند، اما دلیلی بر وجوب آن وجود ندارد، خصوصا بعد از تقصیر که همه از احرام خارج شده اند.

### روایت دوم: مرسله جمیل

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا ع فِي رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُحْرِمَ أَوْ جَهِلَ- وَ قَدْ شَهِدَ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا وَ طَافَ وَ سَعَى- قَالَ تُجْزِيهِ نِيَّتُهُ إِذَا كَانَ قَدْ نَوَى ذَلِكَ- فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ وَ إِنْ لَمْ يُهِلَّ- وَ قَالَ فِي مَرِيضٍ أُغْمِيَ عَلَيْهِ- حَتَّى أَتَى الْوَقْتَ فَقَالَ يُحْرَمُ عَنْهُ.[[1]](#footnote-1)

فرموده در فرض جهل یا نسیان احرام، اگر نیت احرام کرده، حج او صحیح است.

#### نقد روایت دوم

اولا: مرسله جمیل است، و مرسلات جمیل نیز اعتبار ندارد.

اما این که در مستمسک گفته اند ضعف سند به عمل اصحاب جبر می شود، چون اصحاب در عمره مفرده هم گفته اند نسیان احرام، مبطل عمره مفرده نیست، و تنها دلیلشان همین روایت است، و گرنه صحیحه علی بن جعفر که مختص به حج است، این کلام مرحوم حکیم صحیح نیست، زیرا این روایت هم در مورد حج است و نه عمره مفرده، روایت فرموده فقد تم حجه و ظاهر حج این است که در مقابل عمره بکار رفته است.

علاوه بر این که معلوم نیست بر این روایت اعتماد کرده باشند، بلکه شاید علی القاعدة بحث کرده باشند، مثل این که محقق حلی در معتبر به عمومات رفع النسیان و امثال آن تمسک کرده است.

ثانیا: اذا کان قد نوی ذلک، شاید به این معنا باشد که قبلا عزم و نیت احرام داشته باشد، نه کسی که از اول نیت احرام نداشته باشد و حتی برخی گفته اند باید در میقات نیت احرام داشته باشد و فقط تلفظ به تلبیه را فراموش کرده باشد.

لذا به قرینه صحیحه علی بن ابی جعفر که فرمود جهل ان یحرم و ظاهرش این است که به وجوب احرام جاهل بوده و طبعا نمی تواند نیت احرام داشته باشد، معلوم می شود که اذا کان نوی ذلک، به معنای نیت حج است

پس عمده دلیل ما صحیحه علی بن جعفر است که در حج تمتع وارد شده است و این که عده ای از حکم حج تمتع به حج افراد و قران تعدی کرده اند، به نظر ما ناتمام است.

اما عموم رفع النسیان یا ای رجل رکب امرا بجهالة فلاشیء علیه نمی تواند دلیل بر صحت حج عند ترک الاحرام جهلا یا نسیانا باشد، زیرا این ها در مقام رفع مواخذه است، ولی وجوب اعاده که مواخذه نیست، بلکه از آثار ترک امتثال واجب است.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص338، أبواب من ترک الإحرام أو التلبیة...، باب20، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/338/تجزیه) [↑](#footnote-ref-1)